



فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی

سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹ هـ ش، صص. ۱۲۱-۱۲۵

کنکاشی در ریشه‌یابی ضرب‌المثل «نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود»

وحید سبزیان پور*

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

نرگس رشیدی

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

موضوعات حکمی و اخلاقی مورد اشاره در متون ادبی، در فرهنگ ملل مختلف وجود دارد و از این میان فرهنگ فارسی و عربی استثنا نیستند. یکی از این مضامین، لزوم سختی کشیدن و رنج انسان است که موجب رشد استعدادها و تکامل وی می‌شود، این اندیشه که ارزشمندی و ارجمندی انسان به مقیاس بردباری و تحمل سختی‌ها و صبوری در برابر بلااست، سنتی دائمی برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته انسان و به فعلیت رساندن آنها است؛ اما سؤال اساسی این است: اولین منبعی که از لحاظ تاریخی این مضمون حکمی را بیان کرده چیست و آیا سند آن از لحاظ تاریخی از فرهنگ قومی، مکتوب و نقل شده است؟

این مضمون به صورت شعر و ضرب‌المثل فارسی و عربی، با تعابیر مختلف بیان شده است و دهخدا نیز این مضمون را با بیش از شصت ضرب‌المثل و شعر فارسی و یازده ضرب‌المثل و شعر عربی بیان کرده است که در این نوشتار به برخی از آن نمونه‌ها اشاره می‌گردد.

رودکی، آدم الشعراي شعر پارسی، حاصل صبر بر مشکلات و تحمل ناملايمات را رسیدن به بزرگی و سالاری می‌داند:

اندر بلای سخت پدید آید فضل و بزرگی و سالاری

(رودکی به نقل از دهخدا، ۱۳۶۲: ۱/۲۹۱)

خیام نیشابوری نیز تحمل رنج و سختی را موجب آزادگی انسان می‌داند:

از رنج کشیدن آدمی حر گردد قطره چو کشد حبس صدف دُر گردد

(خیام، رباعی ۶۱)

در بیت زیر، حافظ شیرازی نیز این مضمون را اینگونه بیان کرده است:

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد که چند سال به جان خدمت شعیب کند

(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۸۲)

مولوی نیز، نقش سختی‌ها و شدائد در تکامل انسان و در نتیجه افزایش ارزش او را در مقابل تحولات روزگار در قالب تمثیل بیان می‌کند:

گندمی را زیر خاک انداختند
پس ز خاکش خوشه‌ها بر ساختند
باز دیگر کوفتش ز آسیا
قیمتش افزود و نان شد جانفزا
باز نان را زیر دندان کوفتند
گشت عقل و جان و فهم سودمند
(مولوی، دفتر اول بخش ۱۴۸)

انوری در این مضمون می‌گوید:

بساز انوری با بلا کز حوادث
بر آزادگان جز بلا می‌نیاید
(انوری، به نقل از عقیقی، ۱۴۷)

ضرب‌المثل‌های زیر نمونه‌ای از متونی است که این مضمون را بیان کرده است:

«رنج سخت کلید راحت است.» (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱۵؛ ج ۲: ۸۷۳)

«رنج کشی تا به گنج برسی.» (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱۹)

«چنگ را تا نزنند، نغمه طرب بر نیارد.» (حیدری ابهری، ۱۳۹۰: ۷۰)

«هر که با سوهان طرف شد، صاف چو آینه شد.» (رحماندوست، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۰۵۹)

علی (ع): فی تقلب الأحوال علم جواهر الرجال. (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷) (ترجمه: در گردش روزگار، گوهر مردان شناخته می‌شوند.)

این آیه از قرآن کریم را نیز می‌توان با این موضوع هم مضمون دانست: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران: ۹۲) (ترجمه: هرگز به نیکی دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.)

معنای کلی و برداشت عامی که می‌توان از آیه داشت این است که منظور از انفاق در این آیه صرفاً انفاق مادی نیست بلکه انسان با مایه گذاشتن از زندگی و رفاه و شادی و به رنج انداختن خویش و... می‌تواند به هدف والایی که در این آیه بیان شده، دست یابد.

این مضمون در فرهنگ ایرانیان باستان، به عنوان منبعی سرشار از مضامین حکمی، سابقه‌ای دیرینه دارد، زیرا ایرانیان به خوبی بر توأم بودن سختی و رسیدن به فضل و بزرگی واقف بوده‌اند:

قال هوشنج: «عِنْدَ نُزُولِ الْبَلَاءِ تُظْهِرُ فَضَائِلَ الْإِنْسَانِ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۶) (ترجمه: هوشنگ: هنگام گرفتاری، فضائل انسان پدیدار می‌گردد.)

این اندیشه گاهی به صورت تمثیل در متون فارسی و عربی بیان شده که از نظر مضمون و محتوا با این حکمت ایران باستان مشابهت دارند:

۱. نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود

سعدی می‌گوید:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۹۳۵)

مولوی:

هر که رنجی دید گنجی شد پدید
هر که جدی کرد در جدی رسید
(مولوی، دفتر ۵: بخش ۸۰)

ناصر خسرو:

تا نبیند رنج و سختی مرد کی گردد تمام
تا نیابد باد و باران گل کجا بویا شود
(ناصر خسرو، ۱۳۵۷: ۵۲۶)

شیخ بهایی:

رنج، راحت دان چو شود مطلب بزرگ
گرد گله توتیای چشم گرگ
(شیخ بهایی، ۱۳۶۱: ۱۲۵)

حافظ:

ناز پرود تنعم نبرد راه بدوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۲۶)

بار عناکش به شب قیرگون
هر چه عنا بیش، عنایت فزون
(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

نمونه‌ای از متون عربی با مضمون بالا:

بَقْدَرِ الْكَدِّ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي وَ مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي
تَرَوْمُ الْعِزُّ ثُمَّ تَنَامُ لَيْلًا يَغْوِصُ الْبَحْرَ مَنْ طَلَبَ اللَّالِي
(شافعی به نقل از دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱۵)

(ترجمه: به اندازه رنج و سختی بزرگی‌ها به دست می‌آید و هر کس خواستار بزرگی باشد شب‌ها را بیدار می‌ماند. دنبال عزت و شکوهی و شب‌ها می‌خوابی! هر کس خواهان دُر باشد در دریا فرو می‌رود.)

امام علی (ع) می‌فرماید: «الَا إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِيَّةَ أَصْلَبُ عَوْدًا وَ الْوَرَائِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ الْبُنبَاتَاتِ الْبَدْوِيَّةَ أَقْوَى وَ ثُودًا وَ أَبْطَأُ خَمُودًا.» (نهج البلاغه، نامه ۴۵) (ترجمه: هان که درخت بیابانی چوبش سخت‌تر است و درخت‌های سبز و خرم پوستشان نازک‌تر و گیاهان بیابانی شعله آتششان افروخته‌تر و بادوام‌تر است.) این سخن، نیز بر این مضمون دلالت دارد که در ناز و نعمت زیستن و از سختی‌ها دوری گزیدن موجب ضعف و ناتوانی می‌گردد و زندگی در شرایط دشوار آدمی را نیرومند می‌کند و جوهر هستی او را آبدیده و توانا می‌گرداند.^(۱)

۲. تا نوزد بر نیاید بوی عود

این مفهوم که آتش موجب پراکنده شدن بوی عود می‌شود تمثیلی است برای تحمل سختی‌ها که موجب رسیدن به مقصود و شکوفایی می‌شود:

سعدی می‌گوید:

این حدیث از سر دردی است که من می‌گویم
تا بر آتش نهی بوی نیاید ز عبیر
(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۱۷)

ابن یمن:

آتش کند پدید که عود است یا حطب
آتش بیار و خرمن عشاق را بسوز
(ابن یمن به نقل از دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۷/۱)

این مضمون به خوبی در این حکمت ایرانیان باستان نمایان است: قال هوشنج: «بِاحْتِمَالِ الْمَوْنِ يَجِبُ السُّودُ». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۱۲) (ترجمه: با تحمل سختی است که بزرگی واجب می شود.)
در کلیله و دمنه که سرشار از حکمت‌های ایرانیان باستان است نیز این اندیشه آمده است:
«من لم یرکب الأهوال لم ینل الرغائب.» (کلیله به نقل از میدانی، بی تا، ج ۲: ۳۲۷) (ترجمه: هر کس بر ترس سوار نشود به خواسته‌ها نمی‌رسد.)^(۱)
نمونه اشعار زیر با مضمون بالا:

سنایی:

تا بدین دلق ای برادر در سنایی ننگری
عطر از عود آن گهی آید که بر آذر نهیم
(سنایی به نقل از دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۱۰۴)

قائنی:

نفس را کامل نماید، درد فقر و سوز عشق
بانگ کوس از ضربت است و بوی عود از آذر است
(قائنی، ۱۳۳۶: ۱۱۰)

نمونه ضرب‌المثل‌های فارسی با این مضمون:

آتش کند هر آینه صافی عیار زر. (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷)
زر به آتش خالص شود. (حیدری ابهری، ۱۳۹۰: ۷۰)
تا گل نسوزد، گلاب بیرون نمی‌آید. (همان)

نمونه‌ای از اشعار عربی با مضمون بالا در این بیت زیر دیده می‌شود:

لولا اشتعال النار فیما جاودت
ما کان یعرف طیب عرف العود
(ابو تمام به نقل از دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷)

(ترجمه: اگر زبانه‌های آتش نبود بوی عود شناخته نمی‌شد.)

نتیجه‌گیری

مضامین حکمی بویژه توأم بودن رنج و سختی با فضل و بزرگی، موضوعی است که بشر در گذشته به آن رسیده است، اما قدیمی‌ترین سند و منبعی که در رابطه با این اندیشه در ادب فارسی و عربی یافت شد، سخنان منسوب به ایرانیان باستان است که در متون عربی به صورت مکتوب آمده است و هرچند این موضوع در قرآن و روایات اسلامی نیز وجود دارد اما تقدّم تاریخی حکمت‌های ایرانی نشان می‌دهد که ایرانیان قبل از اسلام به این موضوع دست یافته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- (۱) برای اطلاع بیشتر از این مضمون نیز نک: (پیروفر، ۱۳۷۸: ۱۰۱)
- (۲) برای اطلاع بیشتر از این مضمون نیز نک: (سبزیان‌پور و صالحی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴)

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.

- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۴۱۶)، *الحکمة الخالدة*، تحقیق عبد الرحمن بدوی، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- پیروزفر، سهیلا (۱۳۷۸)، «ابتلاء در قرآن و حدیث»، *دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۴۳ و ۴۴، ۸۹-۱۲۸.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، *دیوان غزلیات*، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- حیدری ابهری، غلامرضا (۱۳۹۰)، *نان و نمک، فرهنگ موضوعی امثال و حکم فارسی*، تهران، محراب قلم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳)، *امثال و حکم*، چاپ ششم، تهران.
- رحماندوست، مصطفی و متین پدرامی (۱۳۹۴)، *فوت کوزه‌گری: مثل‌های فارسی و داستان آن‌ها*، منادی تربیت.
- سبزیان‌پور، وحید و پیمان صالحی (۱۳۹۰)، «بینامتنی در شعر شهریار (نقد و تحلیل برخی از مضامین مشترک فارسی و عربی در اشعار شهریار)»، *کتاب ماه ادبیات*، سال پنجم، شماره ۵۳، پیاپی ۱۶۷، ۴۲-۵۴.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، *کلیات سعدی*، به تصحیح محمد علی فروغی، چاپ اول، تهران: هرمس.
- شیخ بهایی (۱۳۶۱)، *دیوان اشعار*، به کوشش سعید نفیسی، انتشارات چکامه.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۱)، *مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری*، تهران: سروش.
- قآنی شیرازی (۱۳۳۶)، *دیوان اشعار*، تهران: امیر کبیر.
- کاظمی، انی، «رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری»، نشر الکترونیکی: کتابخانه، تاریخ ما <http://pdf.Tarikhkma.ir>.
- مولانا، جلال‌الدین بلخی، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد. ا. نیکلسون، تصحیح مجدد و ترجمه: حسن لاهوتی، میراث مکتوب.
- المیدانی، ابوالفضل (بی‌تا)، *مجمع الأمثال*، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دار المعرفة.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۵۷)، *دیوان اشعار*، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران.
- نظامی گنجه‌ای (۱۳۸۶)، *مخزن الأسرار*، تصحیح: بهروز ثروتیان، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.